

دکتر منظم ترقیاتی



میرزا یحیی خان

دراودگاه جهانی نظامی

ضمیمہ روزنامہ الہام

ناشر

اکبر مرادی

مرکز بخش

لالہ زار گوجہ بہار

بہا ۵ ریال

چاپخانہ انتر فعال

اسکن شد

شرح کامل جریان جلسه محاكمه بقائى در بهدارى

زندان شهربانى
اسكن شد



آقای دکتر بقائی و وکلای مدافعشان در دادگاه نظامی

شنبه ۲۴ دی ۱۳۲۸

اولین جلسه دادرسی محاکمه آقای دکتر مظفر بقائی در ساعت يك و نیم بعد از ظهر روز ۲۴ دی ۱۳۲۸ در اطاق عمل بهدارى زندان موقت شهربانى بریاست سرکار سرهنگ جهانشاهی قاجار و عضویت سرهنگ دوم سوار کامران و سرگرد شهیدی و سرگرد ریگی (عضو عیال البدل) و با حضور سرهنگ دوم جهانگیری نماینده دادستان فرمانداری نظامی و آقای دکتر بقائی و آقایان دکتر شایکل و

دکتر شاهکار ، ابوالفضل لسانی ، سرهنگ باز نشسته هوشیار ، هاشمیان و میراحمدیان تشکیل یافت؟

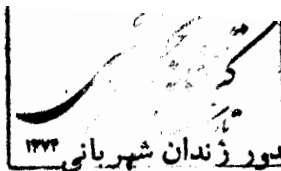
بدواً مقدمه صورت مجلس که حاکی از حضور اعضای دادگاه و متهم و وکلای مدافع و نماینده دادستان بود بوسیله سروان احمدوزیری منشی دادگاه قرائت و رسمیت جلسه اعلام گردید . آقای دکتر شاهکار - این صورت جلسه موافق واقع نیست اینکه مرقوم فرمودید جلسه دادرسی تشکیل است این جلسه ، جلسه دادرسی نیست . هر هیئتی یا تشکیلاتی رسمیت دارد .

اگر وکلای مجلس در مسجد مجد دورهم جمع شوند آن جلسه جلسه رسمی و پارلمانی نیست اگر قضات در اطاق بهداری جمع شوند جلسه دادرسی رسمی نیست .

جلسه دادرسی مطابق آئین نامه معلوم است . اطاق دادگاه باید مزین بعکس شاه باشد . جنابعالی امر فرمودید ما اینجا حاضر شدیم اما این جلسه خصوصی است من وقتی وکیل مدافع هستم که در جلسه رسمی حاضر باشم .

جناب سرهنگ و سایر اعضای دادگاه وقتی برای ماقاضی هستند که در جلسه دادگاه باشند . رئیس دادگاه بهتر است وقتی دفاع می کنید بفرمائید آقای میراحمدیان - بیانات آقای دکتر شاهکار باید در صورت مجلس نوشته شود .

آقای هوشیار - مطابق قانون وقتی باید هویت متهم را سؤال کرد که دادگاه تشکیل شده باشد همانطور که آقای دکتر شاهکار بیان کردند این جلسه رسمی نیست . بموجب بخشنامه ها و دستوراتی که دارید دادگاه باید تمثال شاه را داشته باشد و در زیر آن پرچم باشد .



این کار را ممکن بود ریاست دادگاه در کریمشور زندان شهربانی
بکنند هر وقت دادگاه را بطور رسمی تشکیل دادید میتوانید از متهم
سؤال کنید.

رئیس دادگاه - شرایط دادگاه حضور قضات و متهم و وکیل
است.

وکلای مدافع - «و محل»
منشی دادگاه - خطاب دادگاه به متهم - هویت خود را اعلام
کنید -

دکتر بقائی - حالت مزاجی من اجازه صحبت نمیدهد ممکن بود
همانطور که مرا از روی تخت کشیدند و آوردند اینجا ببرند در
دادگاه و جلسه تشکیل بدهند مانعی ندارد.

منشی دادگاه - پس هویت را اعلام نمیکنید.

دکتر بقائی - هویت من معلوم است و احتیاجی به اعلام
ندارد.

رئیس دادگاه به منشی - نامه ای را که پزشک شهربانی نوشته
قرائت فرمائید نامه قرائت شد. دکتر بقائی - طیب معالج من حرکت را
غدغن کرده ...

دکتر شایگان - در تائید بیان موکل خود گواهی آقای دکتر
اصانلو را تقدیم میدارم.

نامه دکتر اصانلو بشرح زیر قرائت شد: « یک ربع بعد از ظهر

۰ ۲۸/۱۰/۱۳۴

« ریاست محترم دادگاه جنائی فرماندار نظامی تهران -
بر حسب تلفون آقای دادستان فرماندار نظامی تهران در زندان موقت

شهر آقای دکتر سظفر بقائی را معاینه کرده و نظر قبلی خود را مبنی بر قولنج کبدی تأیید مینمایم و معتقدم که ایشان تا سه چهار روز دیگر بایستی استراحت نموده و بعد يك راديو درافي از قسمت مربوطه بشود که تشخیص قطعی داده شود. با احترامات دکتر اصائلو.

خطاب رئیس دادگاه بدکتر بقائی اکنون باقرات نامه رئیس بهداری شهر بانی هویت شما سوال میشود.

دکتر بقائی - متأسفانه من در زندانی هستم که طبیب شهر بانی پشت هین دیوار فرخی یزدی را آمپول هوا زد بنده را هم ممکن است ببرند آنجا آمپول هوا بزنند و انتظارش را هم دارم ولی در مورد دستور طبیب گمان میکنم این حق را داشته باشم که بحرف طبیب معالج خود بیشتر اعتماد داشته باشم تا حرف سایرین.

هاشمیان - ماده ۱۹۱ قانون آئین دادرسی آرتش مینویسد دادرسی

آرتش علنی است.

بنده باستناد این ماده بعلت اینکه دادگاه در بهداری زندان تشکیل شده جلسه را علنی نمیدانم و اگر جلسه سری است دادستان باید درخواست سری بودن را بنماید.

رئیس دادگاه - میخواستند بیایند مانعی نداشت.

هاشمیان - غدغن است هیچکس را در زندان و بهداری راه

نمی دهند.

دکتر بقائی درد کلیه من شدت کرده است.

منشی دادگاه - هویت دکتر بقائی از روی برگهائی که در پرونده هست قرائت میشود اگر درست است همانها را در صورت جلسه بنویسم.

هویت بشرح زیر قرائت شد .

اسم دکتر بقائی فرزند میرزا شهاب کرمانی دارای عیال و اولاد شغل استاد دانشگاه و نویسنده مقاله شاهد !

دکتر بقائی من کجا گفته ام دارای عیال و اولاد هستم
لسانی - اینها مطالبی است که آقای دادستان در ادعا نامه خود
نوشته و گر نه کجا آقای دکتر بقائی گفته اند شغل من نویسنده مقاله
شاهد است !

منشی دادگاه - به متهم تذکر داده میشود که در جلسه دادرسی
مواظب اظهارات خود باشد
دکتر بقائی - با این حالت مزاجی که دارم نه میتوانم مواظب
اظهارات آقایان باشم نه خودم، الان کلیه ام درد میکند و حال خودم
را نمی فهمم .

خطاب رئیس بدکترشایگان :

اگر بصلاحیت دادگاه اعتراض دارید طبق مواد ۱۹۴ و ۱۹۵

بیان فرمائید

دکترشایگان - چون وقت رسمی دادگاه منقضی است و بعلاوه
چنانکه ملاحظه فرمودند متهم بنحوی کسالت دارد که قادر بر شرکت
در محاکمه نیست و نیز مطابق قوانین جاریه محل محکمه باید معین و
بنحویکه اشخاص ذینفع بتوانند بدون مانع در محکمه حضور پیدا
کنند از پیشگاه محترم دادگاه تقاضا میکنم برای حسن جریان محاکمه
بخصوص محاکمه ای که بدون تردید انتظار ملت ایران متوجه جریان
آنست جلسه را خاتمه دهند و محاکمه را بوقت دیگر موکول فرمایند
تا اعتراضاتی که قانونا بر صلاحیت و موضوعات دیگر وارد است

بعرض برسد .

خطاب رئیس بسایر وکلا ماده ۱۹۴ و ۱۹۵ تذکر داده شد
دکتر شاهکار - باتوجه بمقررات قانون آئین دادرسی ارتش
و باتکاء شعور و فهم ساده دادگاه نظامی موقت در اطاق محل بهداری
زندان موقت نمیشود تشکیل شود علاوه الان از وقت اداری که باید
جلسات دادگاه در این ساعت تشکیل شود يك ربع میگذرد - رئیس
دادگاه - ما تا صبح وقت داریم بمنظور حفظ شئون دادرسی و ارتش
تقاضا دارم همانطور که استاد محترم جناب دکتر شایگان از پیشگاه
دادگاه خواستند موافقت فرمایند اولاً جلسه در اولین ساعت اداری فردا
تشکیل شود . ثانیاً - جلسه در محل معمولی دادگاه باشد . ثالثاً رعایت
مقررات ماده ۱۹۲ قانون آئین دادرسی ارتش بشود موکل مریض
من اظهار داشته که حال مزاجی من با وضعیت کنونی بتصدیق اطبا
و دیگر کسان بی نظر خوب نیست معذالک در جلسه دادرسی فردا حاضر
خواهیم شد بدیهی است پس از تجدید جلسه اینجانب اعتراضات مشروح
و مفصل خود را بعرض دادرسانی محترم خواهم رساند .

لسانی - مقدمتاً عرض میکنم که همکاران محترم بنده قبلاً در
خواست تجدید جلسه را از نظر کسالت شدید موکل و انقضاء وقت
اداری نموده اید و بنده هم بیانات آقایان را تأیید میکنم ولی بهیچ
تحو مسقط اعتراضات بر صلاحیت دادگاه و ایراد بررد دادرسان محترم
سایر جهات قانونی منطبق باماده ۱۹۴ نیست و چنانکه دادگاه محترم
درخواست بنده و آقایان نامبرده را بر تجدید جلسه نپذیرفتند البته
اعلام خواهم نمود تا با ایرادات مبادرت شود . نکته ای که در این
مورد در تعقیب بیانات آقایان دکتر شایگان و دکتر شاهکار ضروری

است بعرض میرسانم آنست که اساس تقدیم کیفرخواست ازطرف هر دادستانی بهر دادگاهی طبق اصول وقوانین مسلم دنیا وقوانین جاریه ما این معنی را میدهد که مقامی که در قانون پیش بینی شده است صرفاً فقط بنام يك مدعی و يك خواهان بدادگاهی تقدیم دادخواست میکند و در لسان اصول محاکمات جزائی این دادخواست ادعای و یا طبق اصلاح فرهنگستان کیفرخواست تلقی میگردد و در شان کیفرخواست فقط این است که بمدعی علیه دعوی دادستان ابلاغ گردد و تنها دادگاه محترم که مرجع است رسیدگی بدادخواست یا کیفرخواست دادستان می باشد و بس وبالنتیجه در نظر دادگاه هیچوقت نباید که بین دادستان که يك نفر مدعی و خودمانی بیش نیست بامتهم و وکلای مدافع او تفاوت فاحش منظور گردد در این مورد که آقای دکتر بقائی که فعلاً در محضر دادگاه بابدترین حالی که در چنین اطاق گرمی دوپتوروی ایشان انداخته شده و در جریان دادرسی کیسه آب گرم برای روی کلیه ایشان آورده شده است و ازطرفی اتهام مشارالیه طبق دعوای دادرسان فرمانداری نظامی مرکزی بر فرض محال توجه باینکه به ایشان امر جنحه ای بیش نیست و ازطرف دیگر ایشان که باین اصرار در تسریع جریان کار داشته باشند چون در زندان هستند و میخواهند تا تکلیف ایشان معلوم شود باعلاقه ای که ایشان و همچنین بستگان ایشان در سرعت جریان امر دارند

متأسفانه کسالت شدید ایشان موجب شده است که نتوانند در دادگاه تعیین شده ازطرف مقامات مربوطه که قانون نیز تعیین و پیش بینی نموده حاضر شوند

باتمام این جریان متأسفانه دیده میشود که دادستان محترم

فرمانداری نظامی قضیه را غیر عادی تلقی فرموده بالنتیجه باین دادرسی صورت غیر عادی داده شده است بنحوی که گواهی مورد استناد ریاست محترم دادگاه که فرمودند از طرف دکتر شهربانی صادر گردید تصریح شده است که در جواب یادداشتی را که دادستان فرمانداری نظامی به ایشان نوشته اند پاسخ میدهند و همچنین دکتر اصائلو طبیب شخصی آقای دکتر بقائی نیز در یادداشت خودشان که بعنوان ریاست محترم دادگاه جنائی است تهیه کرده اند «بر حسب تلفون آقای دادستان فرماندار نظامی در زندان موقت آقای دکتر بقائی را معاینه نمودم» که نحوه استفاده از این تصدیق از طرف خود متهم و همکاران محترم بیان شد ولی در هر حال از این دو تصدیق يك استفاده بمن از آن می شود و آن اینست که جناب دادستان فرمانداری نظامی بعنوان اینکه آقای بقائی مریض هستند طبیب شهربانی را بزندان خواسته و یادداشت بایشان نوشته و این جواب را گرفته اند و بدکتر اصائلو طبیب شخصی دکتر بقائی تلفن کرده اند از مجموع این عملیات این نتیجه گرفته میشود که آقای دادستان فرمانداری نظامی علاقه و اسرار داشته و دارند که هرچه زودتر دکتر بقائی مورد محاکمه قرار گیرد و البته بهمان نحوی که نماینده محترم ایشان در کیفر خواست بیان کرده مطابق نظر ایشان دکتر بقائی محکوم گردد ولی ریاست محترم دادگاه دادرسان معظم شما تنها مقام صالحی هستید که بین دعوای دادستان و مدافعات آقای دکتر بقائی و وکلای ایشان حکومت عادلانه مینمائید و حکومت عادلانه مستلزم مساوی شناختن اصحاب دعوی است و این طرز غیر عادی در تشکیل دادگاه با وضعیت متهم نوید نمی دهد که جریان غیر عادی که شروع شده است خاتمه یابد و بنا بر مراتب معروض برای اجرای

حق و عدالت برای حفظ قوانین جاریه تمنی و تقاضا دارم که جریان از صورت غیر عادی خارج شده و با قبول درخواست تجدید جلسه تا بهمودی حال متهم و تشکیل دادگاه در محیط مناسب موافقت شود تا در جلسه بعد ایرادات بر عدم صلاحیت و بزه که بطور فهرست بعرض رسید توضیح و تشریح گردد.

هوشیار - من قبل از اینکه عرایضم را بیان کنم چون همکاران راجع به تجدید وقت بیاناتی کردند ریاست دادگاه نظر خودشان را نسبت بادامه دادرسی یا تجدید جلسه اعلام دارند تا بنده نظریات خود را عرض کنم.

هاشمیان - ریاست محترم دادگاه و دادسان محترم محکمه - در اینموقع که ماده ۱۹۴ قانون آئین کیفر و ارتش بمن اخطار می شود درست دو ساعت و نیم بعد از ظهر است و موقعی است که در گواهی پزشک یکی رئیس بهداری زندان شهربانی و دیگر گواهی آقای دکتر اصائلو مبنی بر کسالت شدید موکلم و عدم قدرت حضور او در جلسه نیز روی میز دادگاه گذاشته شده است وقتی است که پس از دو سه ساعت سرگردانی در دادگاه در این اطاق ۳ ضربدر ۲ متری جمع شده ایم و در نتیجه یکساعت توقف و کلاله و اعتناء محترم دادگاه و متهم و چند نفر مأمور زندان رفته رفته تنفس در این اطاق برای حاضرین مشکل میشود حالتی که باعث شده است دادگاه برخلاف مشمول مقررات ارتش خود بزندان موقت شهربانی و در جوار اطاق متهم مریض در یکساعت غیر اداری تشکیل شود هنوز بر ما مجهول است اعتراض و ایراد من به صلاحیت دادگاه و رد دادستان محترم و همچنین نواقص پرونده بجدی است که از حوصله این فرصت خارج است زیرا در تشکیل این جلسه

اولا رعایت ماده ۱۸۷ قانون آئین دادرسی و کیفر آرتش نشده و ثانیا ماده ۱۹۲ خود بخود قابل اجرا نیست زیرا با این وضع بر خلاف مقررات و قانون خود بخود محکمه نمیتواند علنی باشد و طبیعیا سری شده است .

بنا براین با استناد از فرمایشات اساتید و همکاران محترم ضمن باقی بودن بایرادات و اعتراضات خود اولاً تمنی میکنم که جلسه را تجدید فرمایند تا در موقع جلسه بتوانیم از حقوق مندرج در ماده ۱۹۵ بنفع موکل محترم جناب آقای دکتر بقائی نماینده سابق مجلس شورای ملی استفاده کنم در صورتیکه موافقت فرمائید اعتراضات خود را بیان خواهم داشت و اضافه براین تمنی میکنم توجه فرمایند که دادرسی از جریان عادی بیش از آنچه که شده است خارج نشود و رعایت اصول و مقرراتیکه بخصوص در دادگاههای نظامی واجب تر از سایر دادگاهها است بشود تا خدای نکرده از سوء تفاهماتی که در خارج ممکن است نسبت باین طرز دادرسی بی سابقه که میتوان آنرا بدادگاه صحرائی مشابه دانست تا حدی جلو گیری شود .

در انتظار تصمیم هیئت محترم دادگاه بنده بعرایض خود خاتمه

می دهم .

دکتر بقائی - بنده عادت بناله کردن ندارم ولی درد خیلی شدت کرده و بیش از این نمیتوان در محکمه بمانم .

احمدیان - عرایضی دارم ولی باوضع ایشان بی انصافی است که عرض کنم اجازه بدهید ایشان استراحت کند در ساعت سه ربع کم تنفس اعلام گردید و اعضای دادگاه برای اتخاذ تصمیم شور کردند .

در ساعت سه بعد از ظهر اعلام شد که وقت جلسه ساعت ۳:۵۰ بعد از ظهر موکول و محل دادگاه بر طبق تقاضای آقایان و کلاء مدافع در بخش دادگاه جنائی نظامی (دژبانی) خواهد بود.

جلسه دوم ساعت ۷:۰۰



آقای دکتر شایگان یکی از وکلای مدافع آقای دکتر بقائی
دکتر بقائی در ساعت ۷:۰۰ و ربع بعد از ظهر با کمک چند سر باز که
وزیر بغل او را گرفته بودند وارد دادگاه شد.

در ساعت ۷٫۲۰ مقدمه صورت مجلس بوسیله منشی دادگاه قرائت گردید .

بد کتر شایگان مواد ۱۹۵ و ۱۹۴ اخطار شد .

آقای دکتر شایگاه - بسم الله الرحمن الرحيم و کلاهی مدافع جناب آقای دکتر مظفر بقائی نماینده سابق مجلس شورای ملی و استاد دانشگاه به تبعیت از افکار عمومی رجاء واثق داشتند که بامدافه مختصری در مقاله روزنامه شاهد رفع هر گونه سوء تفاهمی بشود و جلسه چنین محاکمه ای اصلاً تشکیل نگردد .

متأسفانه برخلاف انتظار نه فقط جلسه این محاکمه تشکیل شد بلکه چنانکه اوضاع و احوال امروز نشان داد محاکمه این جوان رشید آزادبخواه برخلاف اصول معموله و متعارف دادگاههای نظامی جریان پیدا کرد .

موکل من مریض است وعلاوه بر تصدیق اطباء که در این چند روزه بعرض دادگاه رسیده ظاهر او بهترین شاهد این مدعی است متأسفانه بجای اینکه این عنر موجه را بپذیرند برخلاف معمول محاکمه را خواستند و در زندان شهربانی تشکیل دهند و بعد که انتقال موکل از بهداری زندان بخارج غیر میسر دیده شد محکمه را در اطاق عمل بهداری زندان برخلاف مقررات صحی بهداری تشکیل فرمودند و به تذکر و کلاهی مدافع راجع بانقضای وقت رسمی محاکمات نیز ترتیب اثر ندادند .

کسالت موکل من در ساعت ۱۹٫۳۰ بعداز ظهر یعنی هنگام شب جلسه محاکمه تشکیل شده و این موضوعات میرساند که محاکمه موکل من جریان عادی ندارد .

اینک قبل از ورود در ماهیت دعوی و حتی پیش از میان ایرادات باید نکته‌ای را در باب توقیف موکل خود بعرض برسانم .
توضیحا چنانکه بر قضات محترم روشن است بموجب ماده ۱۲۹ اصول محاکمات جزائی برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم مستنطق می‌تواند قرار یکی از تأمینات ذیل را بدهد .

۱ - التزام عدم حرکت از محل اقامت

۲ - دادن و کیل .

۳ - دادن وثیقه وجه یا مال دیگر .

۴ - توقیف احتیاطی ماده ۱۳۰ همان قاقون میگوید :

تأمین باید باهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحاء اثرات جرم و همچنین سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد و بالاخره ماده ۱۳۰ مکرر میگوید در موارد ذیل متهم جایز است :

۱ - در جنایات مطلقا .

۲ - در امور جنحه وقتی که متهم ولگرد باشد و کفیل یا وثیقه

ندهد .

۳ - در هر موردی که آزاد بودن متهم ممکن است موجب ایجاد

امحاء آثار و دلایل جرم شده و یا باعث مواضعه و تبانی باشد و مطمین واقع گردد .

ملاحظه میفرمائید که از چهار قسم تأمینانی که قانون پیش‌بینی کرده توقیف متهم اشد تأمینات است اینک از پیشگاه محترم محکمه سؤال مینکنم علت اینکه اشد تأمینات در باره موکل من اجرا فرموده اند چیست ؟

آیا جرم انتسابی جنایت است ؟ البته جواب خواهند فرمود که جنایت نیست زیرا بموجب مواد استنادی ادعانامه مجازاتی که برای جرم انتسابی قانونا متصور است بر فرض بید اثباب و برقرض بید تر محکومیت باشد مجازات از شش ماه حبس نمی تواند تجاوز کند و شش ماه حبس مجازات جنائی نیست -

پس چنانکه ملاحظه میفرمائید جرم انتسابی جنحه است و جنایت نیست که مجوز توقیف موکل من باشد .

بیان این مطلب برای اینست که بر قضات محترم معلوم شود که محاکمه موکل من از ابتدای امر جریان عادی نداشته و در توقیف او شتابزدگی شده و اینک از طرف خود و از طرف سایر و کلاء تقاضا میکنم که چون توقیف آقای دکتر بقائی بهیچوجه موجب قانونی ندارد و به علاوه این توقیف موکل سالم مارا مریض کرده و محکمه از اختیارات وسیعهای که دارد استفاده نموده قرار رفع توقیف موکل را که هیچگونه تاثیری در جریان محاکمه ندارد صادر فرمایند (خطاب با قایان و کلاء دیگر)

پس از بیان این مطلب بر طبق ماده ۱۹۵ قانون آئین دادرسی و کیفر ارتش وارد ایرادت میشوم .

بموجب اصل ۷۹ متمم قانون اساسی در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات هیئت مصنفین در محاکم حاضر خواهند بود .

این اصل قانون هیئت منصفه مصوبه ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ منتقل شده و ماده اول آنرا تشکیل داده است و تاکنون هیچ قانونی که در مورد اتهام یعنی اهانت به ارتش این قوانین را نسخ کرده باشد بنظر نمیرسد .

پیش از آنکه وارد بشرح قوانین مختلفه در خصوص مطبوعات
و هیئت منصفه بشوم ناچارم من باب توضیح چند کلمه راجع باهمیت هیئت
منصفه بعرض برسانم.

حضور هیئت منصفه در اقسام مختلفه محاکمات جنائی قرنهایستکه
در اغلب ممالک معمول و متداول است

در هر حال هیئت منصفه هر چه باشد فعلا قانون اساسی ما و
قانون هیئت منصفه حضور آنرا در جرائم مطبوعاتی لازم شمرده و اگر
ما میخواهیم بر طبق قانون محاکمه کنیم (که البته میخواهیم) ناچاریم
از قانون تبعیت نمائیم -

در اینجا آقای دکتر شایگان شرحی در باره جرم مطبوعاتی
و حضور هیئت منصفه در دادگاه دادند و نتیجه گرفتند که جرم واقع
شده جرم مطبوعاتی بوده و گفتند :

ماده سه هیئت منصفه جرائمی را صریحا غیر مطبوعاتی دانسته
و این ماده ۲۹ ناظر به همان مواردی است که جرمی بوسیله مطبوعات
واقع شود ولی قانونا جرم مطبوعاتی نباشد . برای توضیح ابتدا ماده
۳ قانون هیئت منصفه را نقل میکنم .

ماده ۳ - جرمهای ذیل جرم مطبوعاتی نبوده و محاکمه آن بدون
حضور هیئت منصفه بعمل خواهد آمد .

۱ - جرمهاییکه بوسیله بیانیه یا هر قسم مطبوعات دیگر که
بنحو مرتب منتشر نمیشود (باستثنای کتاب) وقوع یابد .

۲ - جرمهاییکه بوسیله انتشار اعلان بعمل آید و لو اینکه اعلان
در جریده یا مجله یا سایر مطبوعات مرتب الا انتشار منتشر گردد .

۳ - توهین بر پادشاه مملکت ...

آقایان محترم ملاحظه میفرمائید که ماده ۲۹ قانون شهریور ۱۳۲۲ با اصل ۷۹ متمم قانون اساسی منافاتی ندارد یعنی آنچه راماده سوم قانون هیئت منصفه غیر مطبوعاتی دانسته محکمه نظامی البته می تواند بآن رسیدگی کند .

در ساعت ۸ ر ۲۷ - پنج دقیقه تنفس داده شد .
ساعت نه و ده دقیقه کم مجدداً جلسه تشکیل گردید :
آقای دکتر شایگان بمدافاعات خود ادامه دادند :
آقای دکتر شایگان - چنانکه ملاحظه میفرمائید حال موکل من که مریض بودن او مسلم است اجازه نمیدهد که بیش از این در این محکمه بماند از پیشگاه محترم دادگاه تقاضای تنفس داریم .
دکتر بقائی - ممکن است اجازه بدهند من بروم .
اجازه داده نشد .

آقای دکتر شایگان در تائید مدافعات خود شرحی راجع بجریان محاکمه آقای دکتر بقائی دادند و با دلایل زیادی بدادگاه ثابت کردند که جرم مطبوعاتی است و باید محاکمه آقای دکتر بقائی در محاکم دادگستری و باحضور هیئت منصفه انجام پذیرد .
در ساعت ۹ و ده دقیقه تنفس داده شد .

جلسه سوم - ۲۵ ر ۱۰ ر ۲۸
دکتر شایگان - در جلسه شب گذشته از طرف خود و همکاران محترم تقاضا کردم که رفع توقیف از موکل من چون توقیف او هیچ دلیل قانونی ندارد بعمل آید .

اکنون تقاضای خود را تجدید میکنم و اگر دادگاه محترم لازم میدانند معذک از آقای دکتر بقائی تأمین بگیری همگی استدعا

داریم که توقیف را بیکی از تأمینات دیگر یعنی گرفتن التزام یا اخذ وثیقه و یا گرفتن کفیل تبدیل فرمایند و مخصوصاً تقاضا داریم که تصمیم در این باب را به پس از خاتمه یافتن بیانات و کلاء در باب ایرادات موکول نفرمائید و در همین جلسه اتخاذ تصمیم نمائید .

و در باره ایجاد حکومت نظامی و قانون حکومت نظامی شرحی

بیان فرمودند

بعد از تنفس ساعت ۱۱:۲۰ مواد ۱۹۴ تذکر داده شد . دکتر

شاهکار .

ماده ۲۰۳ قانون دادرسی ارتش میگوید دادرسها در اظهار عقیده

طبق مقررات قانون مستقل و آزادند ولی بایستی خدا، شاهنشاه، قانون

و عدالت را در مد نظر داشته باشند » در ماه ۲۱۶ قانون دادرسی ارتش

تشریح شده :

« حکم دادگاه بنام اعلیحضرت همایون شاهنشاه صادر میگردد،

تذکر دو ماده فوق از این لحاظ بود که متوجه باشیم در این اطلاق

کوچک که مجتمع شده ایم جلسه ای بعنوان دادگاه تشکیل میدهیم و شما

سرکاران افسران که باسم بزرگ و پراهمیت دادرسی در آن مسند قرار

دارید در عقیده خود بحکم قانون باید آزاد و مستقل باشید خدای

بزرگ، شاه محبوب، قانون و عدالت ناظر و مراقب شماست .

حکمی که شما سرکاران در دادگاه نظامی میدهید بنام

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی است اگر صحیح و روا گفتید، آزادانه

و مستقل اظهار نظر کردید رعایت قانون و عدالت بنده در پیشگاه حضرت

احدیت و بنام شاه گفته اید و اگر خدای نخواسته حکمی ناروا داده شود

و امری بغلط قضاوت گردد و حکومت بخطا رود در بالای برك

دادنامه شما نام شاه قرار گرفته با اسم شاه در پیشگاه خدا با نظارت قانون ناروا گفته شده است.

بنام شاهنشاه خلاف گفته شده شاهی که در نتیجه ۸ سال خدمت شبانه روزی و نشان دادن جوهر پاک و ضمیر صاف خود در اعماق قلوب ملت ایران جای دارد و فرزندان ایران بحد پرستش او را دوست می دارند شاهی که جز خیر ملت و رفاه مردم و پیشرفت ملک آمال و آرزویی نداشته و در این راه سرباز و ارجان خود را بدست گرفته و از هیچ فداکاری و خود گذشتگی کوتاهی نمی کند روانیست بنام چنین پادشاهی مطلبی بخطا و امری بغلط وانمود شود و پس از شرحی گفتند:

ریاست محترم دادگاه در چنین آزمایش با چنین محکمی باید حد اکثر احتیاط شود ما وظیفه داریم برای آنکه دادرسی لایق حیثیت و شئون ملی ما عملی شود آنچه شرط راستی و درستی است بگوئیم از نظر حفظ شئون و حیثیت ملت ایران از نظر تعیین نمودار رشد ملی مردمان از نظر احترام شخصیت چند هزار ساله میهن و از نظر دفاع حق و فرزندان این مملکت من جلب توجه دادگاه محترم را به اعتراضات خود می کنم تا خلافتی بنام شاهنشاه گفته نشود مطلب غلط و ناروایی در برگی که عنوان دادنامه دارد نوشته نگردد گلی را خس معرفی نکنید تا نگویند که «دریغا گلی را بغلط خواندی خس» بدتر آنکه خسی را بغلط خواندی گل،

باستاد ماده ۱۹۵ قانون آئین دادرسی ارتش بدون اینکه وارد

ماهیت دعوا بشوم سه رشته اعتراض بدادگاه محترم نظای ارم .
اعتراض اول ببازداشت دکتر بقائی و ادامه بازداشت دکتر بقائی

است (گرچه مرحله گذشته است)

آقای سرگرد آرمین بازپرس نظامی ذیل یکی از پاسخ های دیگر مظفر بقائی در همان روز احضار یعنی ۲۸/۱۰/۱۰ مینویسد :

« قرار بازداشت آقای دکتر بقائی که فرمانداری نظامی معتقد است بارتش توهین نموده جهت تکمیل تحقیقات صادر و اعلام میگردد که پس از تکمیل تحقیقات قرار صادر گردد .

پس از قرائت اظهار نظر آقای سرگرد آرمین گفتند این طرز عمل میرساند که سرکار ایشان مزدیست شریف و زیاد محتاط و شخصاً حاضر نشده اند اظهار نظری بکنند و مسئولیت امر را بعده فرماندار نظامی میگذارد و به تبعیت از دیسپلین نظامی و اطاعت امر مافوق دستور بازداشت موکل را صادر کرده و پس از يك جلسه تحقیقات از آقای دکتر بقائی دیگر هیچگونه تحقیقی نشده و دادستان باقرار توقیف موافقت کرده و دادگاه هم در همان برخورد اول باپرونده اساس جرم را محرز دانست و در اصل قضیه اظهار نظر کرد و سپس ادعای نامہ صادر و دکتر بقائی را بدون علت بیازداشتگاه روانه کردند در اینجا آقای دکتر شاهکار راجع به بدون علت زندانی بودن آقای دکتر بقائی شرحی بیان نموده و نسبت بیازداشت غیر قانونی آقای دکتر بقائی اعتراض کردند در اینموقع تنفس موقت داده شد . پس از تنفس باز هم آقای دکتر شاهکار بمداخلات خود ادامه داده و گفتند :

در هر مورد که آزاد بودن متهم ممکن است موجب امحاء آثار و دلائل جرم شده یا باعث مواضعه و تبانی باشهود و مطلعین واقعه گردیده یا سبب شود شهود از ادای شهادت امتناع کنند . آثار جرم

عبارتست از شماره ۵۷ روزنامه یومیه شاهد که بعد کافی در دسترس مردم هست و ازین نمیرود. مواضع و تبانی در موعظ انعام دکتر بقائی مورد ندارد و چه مدت نهائی است که آقای آقای دکتر بقلم خود بدون تبانی با کسی یا کسب دستور از مرجعی یا شرکت با کسی این مقاله را نوشته همین طور هم هست و آقای دکتر بقائی مقاله خود را امضاء کرده شهودی هم که درین نیست شهادتی بدهند. پس بانگاء مقررات قانون اعم از قانون آئین دادرسی ارتش و یا قانون آئین دادرسی کیفر عمومی توقیف موکل موردی ندارد و غیرقانونی است (جمله معترضه عرض کنم) در یکی از کشور های اروپا که من محصل بودم صاحب منزلمان پیرزنی بود که اسباب زحمت من شده بود من حقوق میخواندم و با صاحب منزل اختلافی سر پول با صاحب خانه پیدا کردیم صاحب خانه آمد از بیرون در اطاق من را بست و رفت که شکایت کند من دیدم از پنجره تا پائین ۶۰ متر فاصله است و من که نمی توانستم از آنجا پریم شیشه یکی از پنجره ها را شکستم و بخانم که داشت میرفت گفتم خانم میدانی توقیف من غیرقانونی است؛ فورا بر گشت در را باز کرد و این کلمه غیرقانونی در اوبی نهایت موثر واقع شد و بعد هم گشایشی پیدا شد و طلب او را دادم حالا آیا باز هم باید دکتر بقائی در حبس غیرقانونی بماند.

عاجلا تقاضا دارم پرونده نزد باز پرس عودت داده شود تا رفع توقیف گردد و ماده ۱۶۸ قانون آئین دادرسی و کیفر ارتش این اجازه را میدهد ماده اینست: هرگاه باز پرس پس از بازداشت متهم ضمن تحقیقات یا پس از آن ادامه بازداشت را لازم نداند باموافقت دادستان قرار آزادی او را ببالخذ تأمین مقتضی صادر نماید و در صورت

برخورد اختلاف طبق ماده ۱۶۶ رفتار میشود .
 آقای بازپرس در قرار خود نوشته و قول کتبی داده اند پس از
 تکمیل تحقیقات قرار مقتضی صادر خواهند کرد تحقیقات تمام شده و
 من بنام قانون در این محضر رسمی جداً بیازداشت و مخصوصاً ادامه
 بازداشت دکتر بقائی معترضم و امروز تقای رفع این توقیف غیر قانونی
 را دارم و بانتظار تصمیم فوری دادگاه محترم باعتراض اول خود خاتمه
 میدهم .

اما اعتراض دوم من بصلاحت دادگاه نظامی و چگونگی تشکیل
 آنست .

قوانینی که ما راجع بجرائم مطبوعاتی داریم عبارتند از قانون
 ۵ محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری ۲ - قانون نظارت مطبوعات ۱۰ عقرب
 ۱۳۰۱ - ۳ - قانون هیئت منصفه مصوب ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۰ شمسی
 ۴ - قانون اصلاحی سوم دیماه ۱۳۲۱ مطبوعات ۵ - قانون مصوب ۲۴
 دی ۱۳۲۱ - ۶ - ماده واحده قانون مطبوعات ۱۲ اسفند ۱۳۲۷ شمسی
 بنده عرایضی میکنم که بهیچوجه وارد ماهیت نمیشوم .

عرض اولی - مورد اتهام دکتر بقائی اینست سرهنگ برخوردار
 افسر بازنشسته ارتش را مردی نابکار و نادرست قلمداد کرده است و
 شرح عملیات سوء او را داده است و چون سرکار برخوردار يك وقت
 سرهنگ ارتش بوده و توهین بيك سرهنگ را آقای دادستان توهین
 بارتش تلقی کرده اند با این دلیل دادگاه صالح نیست چه طبق نص
 صریح قانون سوم دیماه ۲۱ باید :

اولا - موضوع در دادگاه جنحه رسیدگی شود نه دادگاه

جنائی .

ثانیاً شکایت مدعی خصوصی لازم است یعنی آقای برخوردار
سرهنگ باز نشسته شکایتی بنویسند و دکتر بقائی را باتهام افتراء و
نشر اکاذیب تعقیب کنند و حال آنکه جناب ایشان در انگلستان تشریف
دارند .

تاریخ روزنامه ۸ دی است تاریخ تعقیب ۹ دی تاریخ توقیف
۱۰ دی

باتلگراف هم اگر شکایت میکرد بدین سرعت عملی نمیشد .
ثالثاً - اگر این طور میبود عمل منطبق با ماده ۱۳۴ صلاحی
محرم ۲۶ قمری است که در دیماه ۱۳۲۲ ایلاخ شده و بموجب آئین نامه
مصوبه ۲۶ خرداد ۱۳۲۲ که تعیین صلاحیت دادگاههای نظامی را
نموده در صلاحیت دادگاههای عمومی است نه دادگاههای نظامی
پس اگر موضوع اهانت با جناب است بدلائل سه گانه مذکور
در بالا عدم شکایت شاکی، عدم صلاحیت دادگاه جنائی عدم صلاحیت
دادگاه نظامی - مادر این دادگاه صلاحیت رسیدگی باتهام رانداریم
و بالاخره اگر موضوع شخص برخوردار هست - سرهنگ دیگر یا
سرلشگر دیگری است باید صریحاً اسم برده شود شاکی معلوم گردد
تاجای طرح باشد در دادگاه جزاء اعم از جنحه باجنایت اعم از لشگری
یا کشوری (اما اگر موضوع مربوط بسرهنگ برخوردار است که
در مجلس بر فیق دکتر بقائی کشیده زد و حالا هم خود دکتر بقائی
باید در اینجا محاکمه شود که چه عرض کنم)

اما فرض دوم این است که موضوع سرهنگ برخوردار نیست و
توهین بارتش مورد ادعا است توهین بارتش - مطابق ماده ۲ قانون
مجازات عمومی هیچ عملی را نمیتوان جرم دانست مگر آنکه صریحاً

بموجب قانون جرم شناخته شده و مجازات برای آن معین شده باشد .
ما در قانون جرائمی را که ممکن است نسبت بارتش مرتکب شد
داریم :

از قبیل تهییج و تشویق سربازان به نافرمانی ، تحریک افراد درجه
داران به شورش ، فریب دادن نظامیان بمنظور پلید تسهیل ورود دشمن
بخاک ایران

خراب کردن و سوزاندن مخزن اسلحه و غیره که هر کدام در
قانون پیش بینی شده جرم است و مجازاتهایی دارد اما توهین بارتش باین
تاویلی که آقای دادستان میگوید در هیچ قانونی مانداریم . ممکن است
این توهم پیش بیاید که چون دکتر بقائی در روزنامه نوشته : بعضی از
افسران نادرست و استفاده جو پیدا میشوند چنانچه در واقعه سوم شهریور
در قبال افسران شریف و پاکدامن و وظیفه شناس که جان خود را برای
حفظ میهن دادند و با کمال مردانگی انجام وظیفه نمودند عده معدود
دیگری بودند که کامیو نهانزین و مهمات ارتش را به یغما بردند و ذکر
این معنی توهین بارتش است .

اگر منظور این است زهی تصور باطل ! اگر این توهین بارتش
است پس هر روز که در روزنامه مینویسند دزدی و رشوه خواری در
دستگاههای دولتی و بحد و فور شایع و رایج است این توهین بوزارت
دادگستری ما دارائی توهین بوزارت کشور دستگاه پلیس و تمام
وزارتخانه ها است که ارتش یکی از دستگاههای دولتی است . شخص
اول کشور مورد ستایش همگی ما است از مفاسد اجتماعی مینالد (وکلای
دیگر صریح است) و اولین نویدی که از بر داشت بخاک مقدس میهن
داد این بود که مبارزه با مفاسد دستگاه های اجتماعی خواهم کرد .

سر مقاله چند شب پیش روزنامه کیهان راجع بدزدی و رشوه خواری در دستگاههای دولتی است در ضمن اخبار کشور سه شنبه بیستم دی این خبر خوانده میشود: يك افسر ژاندارمری که در سه سال پیش ۶ حلقه لاستیک اختلاس کرده بود امروز در شعبه ۲ دیوان کیفر بدو سال حبس مجرد محکوم گردید .

(شماره ۲۰۲۴ روزنامه کیهان) مورخه ۲۰ دی ۱۳۲۸ از این اخبار زیاد است و شما خودتان افسران با کدامین میهن پرست امثال و نظائر آنرا زیاد دیده و شنیده اید . خوب اگر کسی نوشت که فلان افسر دزد است یا دزدی کرده یا محکومیت یا خیانت به میهن کرده آیا این مطلب توهین بارتش است . بلکه بعکس چون ارتش ما از دزدی و خیانت بری و منزله است اگر عنصری فاسد در آن پیدا شود تذکر ما و قطع این عضو گندیده رعایت شئون و حیثیت ارتش ما است .

پس این فرض که صرف ذکر نادرستی يك افسر توهین بارتش است نه تنها

(رئیس - بیانات آقا دفاع از متن سر مقاله است ! منطبق با قانون نیست)

(عرض کنم در ماهیت دعوی حضرت سرهنگ خیلی حرف داریم بنده عرض نکردم سرهنگ برخوردار دزد هست یا نیست)

فرض آخر - بالاخره اگر با کمال سماجت و لجاجت بخواهیم دنبال تحصیل دلیل بر مجرمیت یا لا اقل توجه اتهام به آقای دکتر بقائی برویم اینست که بگوئیم دکتر بقائی بوسیله مقاله خود در روزنامه شاهد بقول باز پرس نظامی (این حرف مال او است) که در نامه ۱۳۶-۱۰۱-۱۰۲۸۱۰ موجوده در پرونده نوشته جرم او مطالب خلاف مشی دولت

است - نامه بشرح زیر قرائت شد .

۱۳۶-۱۰-۲۸ دادستانی فرمانداری نظامی تهران و حومه گزارش محترم مامروض میدارد چون آقای دکتر بقائی که بموجب امریه شماره ۱۳۴۵ رف بمناسبت انتشار مقاله خلاف مشی دولت تحت تعقیب واقع شده بقرار بازداشت خود اعتراض نموده است بنا براین عین اعتراض در پرونده امر را جهت رسیدگی با اعتراض ایشان تقدیم داشت که بداد گاه صلاحیت دار احاله شود .

باز پرس فرماندار نظامی تهران - سرگرد آزمین

و این عمل را منطبق با ماده ۳۵ و ۳۶ قانون محرم الحرام ۲۶ بدانیم این عمل بر فرض صحت و بر فرض انطباق با مواد مذکور -- جرم مطبوعاتی است . جرم مطبوعاتی منظور در قانون ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۰ خلاف مشی دولت اگر در یک کشور دموکراسی جرم باشد عنوان دیگری جز جرم سیاسی ندارد .

درج مقاله اگر جرم باشد اسم دیگری جز جرم مطبوعاتی نخواهد داشت با این کیفیت که جرم احتمالی مطبوعاتی و سیاسی است ماده یک قانون ۱۳۱۰ رسیدگی بآنرا در صلاحیت دیوان جنائی با حضور هیئت منصفه همکار محترم من جناب آقای دکتر شایگان شقوق قانون ۱۳۱۰ را بعرض محترم داد گاه رسانند که من از تکرار آن خودداری میکنم فقط می پرسم اگر مقاله روزنامه یومیه شاهد شماره ۵۷ مورد ایراد سرکار است اینکه جرم مطبوعاتی است و حضور هیئت منصفه از ارکان تشکیل چنین دادگاهی است پس هیئت منصفه را چرا دعوت نفرمودید ؟
من 'ز سر کار دادستان می پرسم که بقول قانون روزنامه یومیه

شاهد مبنای آن مرتب منتشر شدن نبود ؟

من میپرسم آیا شاهد روزنامه هست یا نه اگر پاسخ این سئوالات مثبت است رسیدگی بجرم احتمالی دکتر بقائی باید بدیوان جنائی و با حضور هیئت منصفه بعمل آید چون اصل رعایت نشده داد گاه غیر صالح است و تقاضا دارم قرار عدم صلاحیت خود را صادر و اعلام فرمایند .

عرض کنم آقای دکتر بقائی در موقع تنفس فرمودند و حالا هم کتبا تقاضا میکنند که چون عصرها حالشان سنگین است تقاضا دارند جلسه را برای عصر معین نکنید تا ایشان بتوانند فردا در محکمه حاضر شوند و باقدر متیقن که حال ایشان متناسب نیست تصور نکنم این کمترین مساعدتی نیست که ممکن است بفرمائید نسبت برفع بازداشت هم تقاضا دارم اقدام بفرمائید .

رئیس - من حال آقای دکتر بقائی را خوب میدانم .
دکتر بقائی - خیلی معذرت میخواهم من خودم را برای کارهای بزرگتر حاضر کرده ام تقاضای من از این جهت است که عصرها حالم بد می شود .

رئیس - رفع نگرانی را آقا خواهیم کرد .
دکتر بقائی - رفع کسالت مرا با آمپول هوا بفرمائید .
رئیس - اختیار دارید .

دکتر بقائی - من نمی توانم آن وضع نه نه من غریب را در بیاورم من میدانم که دیشب از درد چه کشیدم من بحکم کاری ندارم هر چه میخواهد بشود ولی اینطور مرا بداد شاه آوردن برخلاف اصول انسانیت است .

ساعت ۲ و ده دقیقه کم تنفس داده شد .

جلسه چهارم ساعت ۷ بعد از ظهر ۱۳۲۸/۱۰/۲۵

رئیس (قبلا میخواستم عرض کنم که یکی از خصایص داد گاههای نظامی سرعت است معذالك روزهای دوشنبه و سه شنبه بعد از ظهر جلسه تشکیل نمیدهیم)

پس از اظهارات رئیس داد گاه آقای دکتر شاهکار شروع به دفاع نموده و تقاضا کردند که چون آقای دکتر بقائی مریض هستند رعایت حال ایشان بشود و شروع بصحبت کرده و گفتند .

تذکره دوم من راجع به توقیف غیرقانونی ایشان است که صبح عرض کردم این جرم یعنی توقیف غیرقانونی جرم مستمر است و هر لحظه که بازداشت آقای دکتر بقائی ادامه پیدا کند استمرار جرم عملی شده من از هیئت محترم داد گاه استدعا میکنم باین وضعیت غیرقانونی امر فرمائید خاتمه داده شود تا رعایت اصول اولیه حکومت قانون شده باشد بدیهی است تا این تذکر و اعتراض نشده بود جرم صورت استمرار نداشت اجازه نفرمائید با وجود قضات بی طرف و بی نظر این وضع غیرقانونی ادامه یابد . بانتظار تصمیم عاجل در این قسمت به سلسله سوم اعتراضات خود میپردازم .

بطور خلاصه در این پرونده رعایت مواد ۱۴۹ و ۱۷۲ و ۱۷۹ و ۱۸۴ و ۱۸۷ و ۱۹۲ قانون آئین دادرسی ارتش نشده است که يك يك آنها بعرض داد گاه میرسد تا ملاحظه فرمایند پرونده ناقص است و باید رفع تعیصه باتکالی ماده ۱۹۵ قانون بشود .

راجع بماده ۱۹۲ عرض من مختصر است ماده مزبور مشعر است که جلسات دیوان حرب علنی است .

علنی یعنی باحضور هر کسی که بخواهد مگر آنکه واقعا قانون او را استثناء کرده باشد مثلا قانون باطفال دبستان اجازه حضور در دادگاه جنائی را نمیدهد .

قانون حضور شخص را مسلحانه در دادگاه اجازه نمیدهد پس از استثناء که بگنذریم در دادگاه باید بدون مانع برای هر کس باز باشد و حال آنکه امروز صبح همین امروز صبح در پشت درنگهبانی برای ورود من درخواست ارائه کارت میکرد اگر ریاست محترم دادگاه می-فرمایند دادگاه علنی است من عرضی ندارم و باین اعتراض هم خودم اهمیتی نمیدهم .

اما ماده ۱۴۹ -

الف ماده ۱۴۹- ماده ۱۴۹ مقرر میدارد باز پرس به متهم میگوید که بچه تقصیری متهم شده (عبارت قرائت شد) سرکار سرگرد آزمون هیچگونه اتهامی که منطبق بایکی از مواد قانون مجازات باشد بموکل من تذکر نداده است بلکه در ضمن گفتگو با آقای دکتر چنین اظهار داشته « طابق نظر مقامات فرمانداری نظامی نوشته شما تبلیغاتی علیه ارتش است »

خیلی بجا بود که آقای دکتر بقائی از ایشان میپرسید :
خوب جناب سرگرد بنظر جنابعالی چطور ؟ آخر شما تاقاضی تحقیق شما باز پرس دکتر بقائی را متهم بجرمی میدانید آری یا نه ؟
باو صراحتا بگوئید تا او هم پاسخ بدهد (این بگوئید امر قانون است) و در مقاله شماره ۵۷ روز نامه شاهد که حاضر است و دکنتر اندضاء کرده ولی اتهام و نوع آن و انطباق با قانون بنظر مستنطق چیست ؟
مادام که از طرف باز پرس طبق ماده ۱۴۹ باو صراحتا جرم تذکر نداده

شده نقض است و نباید رفع نقض شود
واقعا روزیکه من این خلاصه پرونده را خواندم فکر کردم
شاید منشی بازپرس فراموش کرده اظهارات باز پرس را بنویسد .
بازپرس گفته است شما تبلیغاتی علیه ارتش کرده اید .
تبلیغات علیه ارتش کجا جرم است منطبق کدام ماده است قاضی
تحقیق بدکتر بقائی نگفته است که من قاضی بازپرس دیگریم که
جرم تو اینست .

ب- عدم رعایت ماده ۱۷۲ عین ماده قرائت شد باین شرح پس از
اینکه تحقیقات و بازجویی متهم با تمام رسید بازپرس به متهم اعلام
میدارد که هرگاه راجع به برائت خود باز هم اعتراضی دارد بنام آخرین
دفاع بنماید و پس از استماع آخرین دفاع متهم بازپرس تحقیقات را ختم
و پرونده امر بانضمام اظهار عقیده خود نزد دادستان میفرستد .
طبق این ماده به بازپرس آمرانه از طرف قانون دستور داده
شده که بمتهم تکلیف آخرین دفاع شود و پس از استماع آخرین دفاع
بازپرس تحقیقات را ختم و با اظهار عقیده نزد دادستان میفرستد دادگاه
محترم هرطور نظر بدهید مادام که رعایت نصوص صریحه قانون نشده
برخلاف و ناروا ارکان اصلی پرونده اتهامی هر متهم و از دستورات
آمرانه ایست که به نفع او قانون ضروری و لازم دانسته چه ممکن است
متهم کلیه مطالب گفنی و مهم خود را در آخرین فرصت بیان دارد
پرونده امر را ملاحظه بفرمایند از دکتر مظفر بقائی هیچ سؤال نشده و
بازپرس بطور مشکوک و مردد از طرف فرمانداری نظامی اظهار سلیقه
کرده نه اظهار نظر. آخرین منوال این است موضوع دیگری که در
مقاله مندرجه جلب توجه نموده ، (آقای لسانی - خواهشمندم دستور

پفرمائید يك دقيقه تنفس داده شود و قدری (آب خوردن به آقای دكتر بقائی بدهند - رئیس تنفس داده میشود قدری آب خوردن بیاورید) برعلیه ارتش تشخیص داده شده اشاره بسوم شهریور ماه و عملیات بارزانیهاست آیا در موضوع سوم شهریور و عملیات بارانیها عقیده جنابعالی چیست ؟

این سؤال باز پرس است . آقای دكتر بقائی پاسخ این سؤال را یا بزعم باز پرس عقیده خود را بیان مینمایند پس از پایان جواب در پرونده این مطلب دیده نبود :

« قرار بازداشت آقای دكتر بقائی الخ . » ملاحظه میفرمائید به انكاء پرونده جز در دادگاه دستور آمر نه ۱۷۲ رعایت نشده است و تكلیف آخرین دفاع بعمل نیامده لازمست از طرف دادگاه پرونده عودت داده شود تا باز پرس وظیفه قانونی خود را انجام دهد آراء دیوان عالی کشور هست که اگر دادگاه پرونده ای را ده آخرین دفاع نشده باشد رسیدگی کند حکم صادره نقص و قضات بعنوان تخلف انتظامی مورد تعقیب قرار میگیرند .

ج - عدم رعایت ماده ۱۷۹ (اشاره بدادرسان - عرایض من این بار متوجه سرکار است) .

ماده مزبور مربوط بتنظیم کیفر روانسته است .
از ادعانامه که از طرف دادرسان علیه متهم نکات مشروح زیر باید تصریح شود :

ادعانامه سرکار دادستان باون توجه بمقررات ماده مذکور تنظیم گردیده چه در قانون ذکر گردیده چه مطالبی بطور منجز و روشن باید نوشته شود در بند ج ادعانامه نوع اتهام نوشته شده اهانت بازتش

و مقامات عالیّه .

ماده استنادی نوشته شده ماده ۲۹ قانون فرمانده نظامی محرم
۲۶ منطبق با ماده ۳۵ و ۳۶ قانون مطبوعات .

من از سرکار دادستان بوسیله ریاست محترم داد گاه میپرسم
آیا دو عبارت اهانت بارتش و مقامات عالیّه که عبارت مترادف هستند یادو
جرم مختلف ؟ این سؤال بنده از نظر دفاع شده است .

اگر مترادفند در کجای قانون یا پرتکل یا امریه ای نوشته شده
ارتش یعنی مقامات عالیّه و توهین بارتش توهین بمقامات عالیّه است
و اگر خیر دکتّر مظفر بقائی متهم بدو جرم مختلف است باید سرکار
دادستان بفرمایند منظور از مقامات عالیّه چیست ؟

اگر خدای نخواستّه منظور از توهین برّیس کشور است که
باهرار تاویل و تعقید و تحریف و تجدید از مقاله مذکور کوچکترین
توهینی برّیس کشور نشده است و هیچیک از فرزندان ایران برّیس
کشور توهین نمی کنند

اگر بفرض محال و بغیال غلط حق تاویل بشود در این صورت
اگر جنحه نیست و مخصوصاً منطبق با ماده ۳۵ و ۳۶ قانون مطبوعات
میباشد (چون ما ماده مخصوصی داریم که توهین برّیس کشور چیست
و مجازات آن کدام است .

پس از اظهارات و سؤال آقای دکتّر شاهکار از نماینده دادستان
آقای دکتّر بقائی نامه ای بر ریاست داد گاه نوشته و در ضمن مندرجات
نامه از وکلای مدافع خود پس از اظهار قدردانی از زحمات آنها تقاضا
نمود که وارد دفاع ماهوی نشوند و بقیه جریان محاکمه را آقای حسین
مکی که باتمام داد شاه حضور داشتند با قلم شیوای خود نوشته اند که

پس از درج نامه محترم آقای دکتر بقائی بنظر خواننده عزیز می‌رسد .

اینک آقای دکتر بقائی بداد گاه نظامی .

ریاست محترم داد گاه نظامی

از آنچه در این چند روز باحالت کسالت در این داد گاه مشاهده کردم و مخصوصا با محروم داشتن چند نفر از وکلای من از بیان ایرادات به صلاحیت داد گاه ورود در دادرسان و غیره و همچنین با ملاحظه جریان امروز که در مقابل سؤال منطقی و قانونی و کلائی من جوابی داده نمیشود و مورد اتهام من معین و معلوم نمیگردد باین نتیجه رسیدم که دفاع دوستان بزرگوار و وکلای گرامی من که همه آن متکی به نصوص قانونی است کوچکترین تاثیری در تصمیم محکمه نتوانست داشت .

با این کیفیت من وجدانا حاضر نیستم و کلائی مدافع محترم خودم را که ممکن است در محاکمه دیگر وجودشان برای احقاق حق منشاء اثر باشد بیش از این در این اطاق دعتل و مهمل کنارم .

لذا با اظهار قدردانی از منتهای جدیت و فعالیت آنها رفیع زحمت از همگی ایشان نموده خود را تنها و بی دفاع در دسترس داد گاه نظامی فعلی میگذارم .

با این مقدمات بهتر است که اصلا آقایان وارد دفاع ماهوی نشوند و مجددا

با اظهار تشکر و شرمندگی از زحمات ایشان ناچار از مدافعات و کلائی محترم و عزیز خود صرف نظر مینمایم .

دکتر مظفر بقائی کرمانی

ساعت ۸ و سه ربع بعد از ظهر

پس از تسلیم نامه، و کلای مدافع از جلسه همگی خارج شدند و رئیس محکمه برخلاف تمام قوانین جزائی دنیا و قوانین جزائی ایران خطاب بدکتر بقائی نموده که آخرین دفاع خود را بکند. توضیح آنکه وکلای مدافع هنوز وارد دفاع ماهوی نشده بودند و در تمام محاکم جزائی اگر متهم وکیل نداشته باشد وکیل تسخیری برای او معین میکنند. بدون توجه بقوانین مزبور رئیس محکمه خطاب بدکتر بقائی کرده آخرین دفاع خود را بکنید دکتر بقائی ناچار با حالت کسالتی که داشت بپاخواست شروع بدفاع کرد چون شیر میغرید بدون هیچگونه التهایی مطالب را در کمال فصاحت و سلامت بیان داشت. او گفت برخلاف تمام قوانین بشری و حتی اصول بربریت اولین جلسه محاکمه را باحال نقاهت در زندان تشکیل دادند من بدنیا اعلام میکنم که اگر امثال من بخاطر حفظ اصول آزادی از میان برویم و این اصول پایدار بمانند من از این کار امتناعی ندارم دنیا از این گونه قربانیها بسیار دیده است. سپس با اعتراضات مشروح خود پرداخت در حدود ساعت نصف شب که حال دکتر بقائی خوب نبود من ناچار باتفاق آقای مهندس زبرک، زاده از محکمه خارج شده دوا برای او تهیه کردیم و هنگامی که مشغول نطق بود دوا را روی میز او گذاشتیم در حین که صحبت میکرد دوا را خورد و بصحبت خود ادامه داد

خلاصه تا ساعت سه بعد از نصف شب آنچه را که باید بگوید گفت، پرده ها را بالا زد زشتی ها را نشان داد تاریکی ها را روشن نمود فشار محکمه را نبات کرد.

در این هنگام رئیس محکمه حرف او را قطع کرده گفت بیان شما مکرر شد بنا بر این وارد شور میشویم هر چه دکتر بقائی اعتراض کرد که در کجای دنیا حق دفاع را از يك متهم بی دفاع سلب می نمایند .

مطالبی گفت که در صورت جلسه قید نکردند خواستند از او امضاء بگیرند امضاء نکرد گفت مطالب اساسی مرا حذف کردید قضات محکمه با طاق شور رفته و از اطاق شور دائما مذاکره بین دکتر بقائی و اعضای محکمه راجع بامضاء کردن صورت جلسات برقرار بود . .

در این موقع که حال اینجانب خوب نبود صورت دکتر بقائی را بوسیدم و او را بندها سپرده بعلت کسالت تحسین اجازه کردم و پیاده به طرف منزل آمدم بالاخره ساعت چهار و ده دقیقه حکم محکمه مبنی بر یکسال حبس در فضای محکمه که بیش از چند نفر تماشایی نمانده بود ابلاغ شد .

دکتر بقائی بجرم وطن پرستی و صراحت در این مملکت ظاهراً امروز محکوم شده است ،

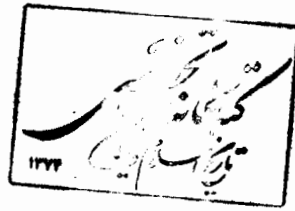
من از این ظلم فاحشی که بیکی از راد مردان و همکاران عزیزم شده جز این که بخداوند متعال پناه ببرم و آزاد مردان ایران اعلام خطر بکنم چاره ای ندارم و در خاتمه میگویم هزارها مبارز بزرگ ملی قرون و اعصار در راه آزادی جان سپردند ولی هرگز چراغ آزادی خاموش نشد سقراطها در راه حفظ اصول بشریت محکوم

شدند ولی بشریت و حق و عدالت و آزادگی و جوانمردی محکوم نشد
 قضاوت قطعی بآنانی است که این پرونده مهم سیاسی را مطالعه
 خواهند کرد و می گویم قضاوت نهائی باملت ایران و آزاد مردان
 جهانست و مطمئن هستم که فتح نهائی باملت ما است
 پیش از اینکه مقاله را پایان ببرم باید یاد آور شوم که رفیق
 محکوم من آخرین صحبتش این بود :

« من نمی فهمم چطور دادگاه میتواند این کار را بکند و مرا
 از دفاع محروم نماید ، این بدوی ترین حق متهم است که از خودش
 دفاع کند و من مکرر از دادگاه تقاضا کردم ا در مطلبی تکرار شده
 بمن تذکر بدهد ولی متاسفانه میبینم که میخواهند از ساده ترین و
 بدوی ترین حقوقی که حتی در تنگین ترین دوره های استبداد هم
 در باره متهمین و حتی مجرمین رعایت میشده مرا محروم کنند من از
 محکومیت نیستی رسم برای من محکومیت هیچ اهمیتی ندارد ...
 (رئیس دادگاه بمنشی گفت : چرا مینویسی بریم شور کنیم)
 دکتر در جواب گفت :

خوب زور است بروید شور کنید » حسین مکی

پس از نیم ساعت شور رسمیت جلسه اعلام و رای دادگاه
 قرائت و آقای دکتر بقائی طبق حکم محاکمه بیک سال زندان
 محکوم شدند و چون کمی صفحات این جزوه بما اجازه نمیدهد که
 متن کامل آخرین دفاع آقای دکتر بقائی که در حدود شش ساعت طول
 کشیده درج نمایم و از سوی دیگر هنوز ما بمن نطق ایشان دسترس نیافته ایم
 امیدواریم در جزوه آینده متن کامل آخرین دفاع و جریان دادرسی
 دادگاه تجدید نظر را باطلاع خوانندگان عزیز برسانیم.



پیام دکتر بقائی

انتخابات مجدد دوره شانزدهم تهران در شرف آغاز است .
اداره حکومت نظامی و مخصوصاً انجام نیافتن انتخابات شهرداری
بما اجازه میدهند احتمال بدهیم که این انتخابات هم آزاد
نخواهد بود .

ولی در هر صورت مبارزه ما ادامه خواهد داشت .
بیاری خداوند متعال و پشتیبانی مردم آزادخواه تهران و بهمت
اعضاء فداکار سازمان ما موفق شدیم تاحدی آزادی انتخابات گذشته
را حفظ کنم و هنگامی که قوای اهریمنی شروع به مداخلات ناروا در امر
انتخابات کردند رسوایشان سازیم .

برای اولین دفعه در تاریخ انتخابات تهران بطور وضوح ثابت
شد که اگر ملت در امور اجتماعی مداخله و ابراز علاقه نماید هیچ
نیروئی قادر بمقاومت با آن نخواهد بود .

موفقیت سازمان ما و فتح ملت بیش از حد تصور و انتظار

بود .

اگر این موفقیت نصیب مانده بود آن دوازده نفر مذکور در
لیست کذائی الان بر صندلی های مجلس جلوس کرده بودند .
پرویز ملت مسلم گشت ولی متأسفانه بجای اینکه دزدان اجتماع
و کسانی که در انتخابات تخلف کرده بودند تعقیب شوند موعده از

افراد فداکار سازمان نظارت انتخابات به مجرم آزادی خواهی
گرفتار شدیم.

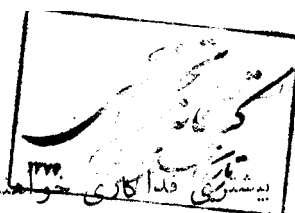
وای مبارزه ما همچنان ادامه دارد.
مبارزه ما ادامه دارد و من یقین دارم که فتح نهائی با ملت خواهد
بود زیرا مطمئنم که دوستان عزیز ما با قوای بیشتر و ایمان راسختر
بمبارزه خواهند پرداخت.

در مبارزه جدید ایمان دوستان ما راسخ تر خواهد بود زیرا اکنون
صحت نظر ما بتجربه نیز ثابت شده و همه بتأثیر عجیب نظارت ساکت
و قوه شکست ناپذیر نگاه وجدان پی برده اند.

مبارزه ما همچنان ادامه دارد و یکبار دیگر نیز نگاه وجدان صفوف
خائنی را که میخواستند در انتخابات تقلب کند درهم خواهد شکست.
اگر بعلل و جهاتی که برهیچکس پوشیده نیست من عملاً نمی
توانم وظیفه خود را در این مبارزه برای آزادی انجام دهم با کمال
خوشوقتی می بینم که سنگر من خالی نخواهد ماند.
من و دل گر فنا شدیم چه باک

غرض اندر میان سلامت اوست
دوستان عزیز من میدانند که پیکر مقدس آزادی هنوز بسیار
نحیف است و احتیاج بتقویت دارد.

منتهای خوشوقتی و مسرت من در اینست که ملا حظہ میکنم روز
بروز عاشقان و فدائیان آزادی زباتر و قوی تر می شوند و اهریمن
چهل و استبداد با اعمال نسجیده و شتابزدگی های خود ضعف و زبونی
خود را هر روز واضح تر نشان می دهد.
سازمان مابعدالیت خود ادامه خواهد داد و درستان ما با حرارت



شکست ما روزی است که ما دلسرد و مأیوس بشویم و بهین جهت ما همیشه برضد روح یأس و ناامیدی و مبارزه می کنیم .
در تشکیلات سازمان ما هیچ تغییری رخ نداده . همکاران عزیز من در اقلیت دوره پانزدهم همچنان بکمک و همکاری با سازمان باقی خواهند ماند و مسئولیت اداره سازمان را هم دوست عزیز من آقای دکتر شایگان بعهده خواهند گرفت .

دکتر شایگان استاد دانشگاه و یکی از فرزندان دلیر و وطن پرست ایران است و امیدواری کامل دارم همچنانکه هنگام دفاع از حق من و همراهی پنج نفر از بهترین و کلای مدافع این شهر باصمیت و بزرگواری تمام مرا رهین منت خود ساختند همانطور هم با ایمان و صمیمیت و وظیفه خود را در سازمان نظارت برای آزادی انتخابات انجام خواهند داد .

دوستان عزیز و همکاران فداکار سازمان .

دستور و شعار سازمان ما همانست که بود :

به بنمید - خاموش باشید و به خاطر به سپارید .

بمردم بگوئید در انتخابات ابراز علاقه مندی بیشتری بکنند .

بهر کس می خواهند رای بدهند ولی رای بدهند .

کسانی که تازه وارد سازمان میشوند باید رعایت سابقه

خدمت سربازان قدیم سازمان را بشمایند و اعضای قدیمی سازمان

هم نسبت بآن عده از همکارانشان که مرارت زندان را چشیده اند

البته مراعات بیشتری خواهند کرد . ((دکتر مظفر بتائی گرمائی))